

الثقافة والارشاد القومي؛ النهاية في مجرد الفقه و
الفتاوى: محمد بن حسن الطوسي (٣٨٥-٤٦٠ق.)، به كوشش حمدي عبدالمجيد السلفي،
بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٤٠٠ق؛
نيل الاوطار: شرح منتقى الاخبار من الحاديث
سيد الاخيار، محمد بن على الشوكاني (١٢٥٥م.)، بيروت، دار الجليل، ١٩٧٣م؛
الهدايه (في الاصول والفروع): محمد بن على بن
بابويه (شيخ صدوق) (٣٨١-٣١١ق.)، قم،
انتشارات مؤسسة الامام الهداء، ١٤١٨ق؛ وسائل
الشيعه (تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل
وسائل الشيعه): محمد بن الحسن الحر العاملي
(١٠٣٣-١١٠٤ق.)، به كوشش عبدالرحيم ريانی
شيرازی، بيروت، دار احياء التراث العربي،
١٤٠٣ق؛ الوسيلة الى نيل الفضيله: محمد بن
علي بن حمزه (م. ٥٦٠ق.)، به كوشش الحسون،
قم، مكتبة التجفی، ١٤٠٨ق.

حمیدرضا خراسانی



حج تَسْكُع: از انواع حج، به معنای حج بدون توشه راه یا مرکب یا حج با مشقت

واژه «تسکع» از ریشه «س- ک- ع» به
معنای بیراهه رفت و متخت و سرگشته شدن
است.^۱ در اصطلاح فقه امامی، حج تسکع به
معنای حج همراه با سختی و مشقت^۲ و به تعییر

۱. العین، ج، ١٩٣ص؛ الصحاح، ج، ٣١٢٣ص؛ لسان العرب، ج، ٨

ص، ١٥٩. «تسکع».

۲. ارشاد الاذهان، ج، ١، ص، ١١٣؛ مجمع الفائدة و البرهان، ج، ٦
ص، ٢٧٥؛ مسالك الافهام، ج، ٢، ص، ١٢٢.

الکبیر: سلیمان بن احمد الطبرانی (٢٦٠-٣٦٠ق.)، به كوشش حمدي عبدالمجيد السلفي،
المحتاج الى معرفة معانی الفاظ المنهاج: محمد
بن احمد الشربینی (م. ٩٧٧ق.)، بيروت، دار احياء
التراث العربي، ١٣٧٧ق؛ المقنع: محمد بن على
بن بابويه (شيخ صدوق) (٣٨١-٣١١ق.)، قم،
انتشارات مؤسسه الامام الهداء، ١٤١٥ق؛
المقنعه: شیخ مفید محمد بن محمد بن النعمان
(٣٣٦-١٤١٣ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی،
١٤١٠ق؛ مکه و مدینه تصویری از توسعه و
نوسازی: عبیدالله محمد امین کردی، ترجمه
صابری، مشهد، ١٣٨٢ش؛ مکه و مدینه تصویری
از توسعه و نوسازی: عبیدالله محمد امین کردی،
تهران، مشعر، ١٣٨٠ش؛ من لا يحضره الفقيه:
محمد بن على بن بابويه (شيخ صدوق) (٣١١-٣٨١ق.)،
تحقيق و تصحیح على اکبر غفاری، قم،
دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ١٤٠٤ق؛
مناسک حج: محمد اسحاق الفیاض، قم، عزیزی،
١٤١٨ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب
(م. ٥٨٨ق.)، به كوشش گروهی از استادی نجف،
نجف، المکتبه الحیدریه، ١٣٧٦ق؛ منتهی
المطلب فی تحقيق المذهب: حسن بن یوسف
حلی (٦٤٨-٧٢٦ق.)، مشهد، انتشارات بنیاد
پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی،
١٤١٤ق؛ المذهب: عبدالعزیز بن نحریر البراج
(م. ٤٨١ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی،
١٤٠٦ق؛ مواهب الجلیل: محمد بن محمد
الحطاب الرعینی (م. ٩٥٤ق.)، به كوشش زکریا
عمریات، بيروت، دار الكتب العلمیه، ١٤١٦ق؛
موسوعه طبقات الفقهاء: جعفر سجحانی، قم،
مؤسسه امام صادق، ١٤١٨ق؛ النجوم الظاهره:
ابن تغیی بردی الاتابکی (م. ٧٤٨ق.)، مصر، وزارة

واجب نیست؛ حتی در صورتی که حج گزار بتواند با پای پیاده یا با گدایی کردن از مردم، خود را به مکه برساند.^۱ به نظر فقهای امامی، حتی اگر زاد و راحله به صورت اباوه (بدون تمیلیک) یا بدل در اختیار شخصی قرار گیرد، او مستطیع و حج بر او واجب می‌گردد.^۲ فقیهان اهل سنت برای حصول استطاعت، مالک بودن زاد و راحله را لازم دانسته و صرف اباوه را کافی نشمرده‌اند.^۳ به رأی شافعی، بدل زاد و راحله از جانب شخصی که هبه او موجب متّ محسوب نمی‌شود (مانند بدل پدر به فرزند) موجب وجوب است.^۴ (→ حج بدلی)

مطابق فتوای بیشتر فقهیان امامی^۵، شافعی^۶، حنبلی^۷ و حنفی^۸ مركب داشتن،

۸. تحریر الاحکام، ج، ص ۹۱؛ الدروس الشرعیه، ج، ص ۳۱۰؛ مسنون الشیعه، ج، ص ۱۱؛ مسنون الشیعه، ج، ص ۵۵؛ مسالک الافهم، ج، ص ۱۳۳؛ مسنون الشیعه، ج، ص ۱۱؛ مسنون الشیعه، ج، ص ۳۱۰.
۹. جواهر الكلام، ج، ۷، ص ۲۴۸.
۱۰. البیان و التحصیل، ج، ص ۲۵-۲۶؛ بداع الصنائع، ج، ص ۱۲۲؛ المغنى، ج، ص ۱۷۰.
۱۱. بداع الصنائع، ج، ص ۲۲؛ تحقیق الفقهاء، ج، ص ۳۸۷.
۱۲. المبسوط فی فہم الامامیہ، ج، ص ۲۹۸؛ مسالک الافهم، ج، ص ۱۲۹؛ جواهر الكلام، ج، ۷، ص ۲۵۱-۲۵۲.
۱۳. الحاوی الكبير، ج، ص ۷-۸؛ فتح العزیز، ج، ص ۱۰؛ روضة الطالبین، ج، ۲، ص ۲۷۸.
۱۴. المغنى، ج، ص ۱۷۰؛ العده، ج، ص ۱۵۸؛ دقائق اولی، ج، ص ۵۱۷.
۱۵. بداع الصنائع، ج، ۲، ص ۱۲۲؛ الاختیار لتعلیل المختار، ج، ص ۱۴۰؛ تبیین الحقائق، ج، ص ۴.

دیگر، حج بدون توشه راه یا وسیله حمل و نقل^۹ و به نظر برخی، حج بیماران، کهنسالان و کسانی است که استطاعت^{۱۰} بدنی ندارند.^{۱۱} از رو که در این نوع حج، درباره چگونگی به دست آوردن زاد (توشه) و راحله (مرکب)، تحریر و سرگردانی وجود دارد، آن را حج تسکع نامیده‌اند.^{۱۲} در منابع فقهی اهل سنت، اصطلاح حج تسکع به چشم نمی‌خورد؛ هر چند آنان به گونه مطلق به بحث درباره حج بدون زاد یا راحله یا حج فقیری که زاد و راحله ندارد، بدون کاربرد واژه تسکع، پرداخته‌اند.^{۱۳}

به نظر مشهور فقیهان امامی^{۱۴} و اهل سنت^{۱۵}، به استناد آیه «وَلَلَهِ عَلَى التَّائِسِ حُجُّ الْأَبْيَتِ مِنْ أَسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» (آل عمران ۹۷، ۳/۹۷) و احادیث^{۱۶} وجود زاد و راحله شرط استطاعت و وجوب حج است و بدون وجود زاد و راحله، حج

۱. الروضۃ البهیه، ج، ۱، ص ۱۶۲.
۲. تعالیق میسوطه، ج، ۱، ص ۱۶۱.
۳. مسالک الافهم، ج، ۲، ص ۱۲۲-۱۲۳.
۴. بداع الصنائع، ج، ۲، ص ۱۲۲؛ العده، ج، ۱، ص ۱۷۷؛ مغنی المحتاج، ج، ۱، ص ۹۶-۹۷.
۵. مسالک الافهم، ج، ۲، ص ۱۲۹؛ کشف اللثام، ج، ۵، ص ۹۱-۹۲؛ جواهر الكلام، ج، ۷، ص ۲۴۸.
۶. الحاوی الكبير، ج، ۴، ص ۷؛ المغنى، ج، ۳، ص ۱۷۰؛ رد المحتار، ج، ۲، ص ۴۶۰، ۴۶۱، ۱۰۹.
۷. الكافي، ج، ۴، ص ۲۶۶-۲۶۸؛ تهذیب، ج، ۵، ص ۲-۳؛ السنن البیهقی، ج، ۴، ص ۳۲۷.

می‌تواند با پیاده‌روی خود را به مکه برساند، مستطیع به شمار می‌رود. ولی به نظر مخالفان او از امامیان^۵ و اهل سنت^۶ در احادیث^۷، از جمله حدیثی نبوی^۸، استطاعت به معنای داشتن توشہ و مرکب، هر دو، تفسیر شده و داشتن یکی از آن دو موجب استطاعت نیست. همچنین به نظر مالکیان، کسی که توشہ و مرکب ندارد، ولی توانایی راه رفتن دارد و با حرفة‌ای آشناست که با آن می‌تواند در سفر هزینه خود را تأمین کند، واجب است به حج برود؛ زیرا توانایی پیاده‌روی در حکم مرکب، و حرفة داشتن در سفر، در حکم توشہ است.^۹ اما فقهای شافعی^{۱۰} و حنبلی^{۱۱} بر آنند که حج بر چنین شخصی مستحب است نه واجب؛ زیرا تحمل دشواری پیاده رفتن برای او واجب نیست. اکثریت قریب به اتفاق فقیهان امامی هم حرفة داشتن در سفر را موجب استطاعت

۵. الخلاف، ج. ۲، ص. ۲۴۸-۲۴۷.
۶. بدائع الصنائع، ج. ۲، ص. ۱۲۲؛ تحفة الفقهاء، ج. ۱، ص. ۳۸۶.
۷. سنن الترمذی، ج. ۳، ص. ۴۹۳؛ سنن ابن ماجه، ج. ۲، ص. ۹۶۷؛ السنن البیهقی، ج. ۴، ص. ۳۳۰.

۸. البیان والتخصیل، ج. ۴، ص. ۱۱؛ شرح مختصر خلیل، ج. ۲، ص. ۳۸۵؛ حاشیة الصاوي، ج. ۲، ص. ۱۱-۱۲.
۹. حلیة العلام، ج. ۳، ص. ۱۹۹؛ اسنی المطالب، ج. ۱، ص. ۴۴۴.
۱۰. المغنی، ج. ۳، ص. ۱۷۰؛ الشرح الكبير، ج. ۳، ص. ۱۷۳.

تنها برای کسی که وطن او از مکه دور است (آفاقی) شرط استطاعت است، ولی برای کسانی که ساکن مکه و اطراف آن بوده و توانایی راه رفتن داشته باشد، شرط نیست. از این رو حج بدون وجود مرکب، بر ساکنان مکه و اطراف آن که توانایی بدنی دارند، واجب است؛ حتی اگر ناچار از پیاده‌روی باشند.^۱ ولی بر آفاقیان واجب نیست؛ هرچند توان پیاده‌روی داشته باشند.^۲ البته به تصریح برخی فقهاء، بر کسی که توانایی پیاده رفتن دارد، حج گزاردن مستحب است.^۳

(← اهل حل، اهل حرم، آفاقی)

مالک، در مقابل دیدگاه مشهور، اساساً داشتن مرکب (راحله) را شرط استطاعت ندانسته است. به نظر او، حج بر شخصی که دارای مرکب نیست، ولی توانایی پیاده رفتن دارد، واجب است؛ زیرا او شرط وجوب حج را صرفاً رسیدن به مکه، بدون تحمل دشواری زیاد، می‌داند.^۴ با این استدلال که بنا بر ظاهر آیه استطاعت (آل عمران: ۹۷)، کسی که

۱. بدائع الصنائع، ج. ۲، ص. ۱۲۲-۱۲۱؛ تحفة الفقهاء، ج. ۱، ص. ۳۸۷.

۲. الخلاف، ج. ۲، ص. ۲۴۶.

۳. المبسوط في فقه الإمامية، ج. ۱، ص. ۳۰۲-۳۰۳؛ فتح العزیز، ج. ۷،

ص. ۱۰؛ العدد، ج. ۱، ص. ۱۷۷.

۴. الناج والاكيل، ج. ۳، ص. ۳۲۱؛ مواهب الجليل، ج. ۳، ص. ۴۴۸؛

الفواكه الدواني، ج. ۱، ص. ۳۵۱.

به نظر همه فقهای امامی^۱، اگر بر کسی واجب شود، ولی آن را انجام ندهد و حج بر او مستقر شود، باید فوراً آن را به جا آورد؛ حتی اگر متسرکح باشد. (← استقرار حج) همچنین به نظر فقیهان امامی، حج کسی که مستطیع باشد، ولی حج خود را با تسکع و مشقت به جا آورده، «حجۃ الاسلام» محسوب می‌شود^۲؛ زیرا استطاعت که شرط و جو布 حج است حاصل بوده و مانع دیگری برای وجوه در کار نیست.^۳ از سوی دیگر، به نظر همه فقیهان امامی، پس از ادائی حج تسکعی و بدون استطاعت، چنین حجی به عنوان حجۃ الاسلام (حج واجب) شمرده نخواهد شد. از این رو اگر این شخص بعدها مستطیع شود، لازم است حج واجب خود را به جا آورد.^۴ مستند این حکم، اطلاق آیه استطاعت (آل عمران/۹۷) و نیز روایات است. با این استدلال که استطاعت، شرط و جو布 حج است و با فقدان استطاعت، حکم و جو布 و نیز صحت عمل حج تسکعی به عنوان

نداشته‌اند^۵؛ زیرا: اولاً جمع کردن میان اشتغال و مسافرت موجب مشقت است و به علاوه، احتمال تداوم نیافتن حرفه هم وجود دارد^۶؛ ثانیاً شرط و جو布 حج، استطاعت بالفعل است و استطاعت تقدیری (توانایی تحصیل استطاعت) کافی نیست.^۷ از میان فقهای امامی، تنها نراقی حرفه داشتن در مسیر حج را مشروط بر تداوم و دشوار بودن آن، موجب استطاعت و وجوب حج دانسته است.^۸ به نظر شافعیان^۹ و حنبیلیان^{۱۰} برای کسی که توشه، مرکب و حرفه مناسب در سفر ندارد و برای حج گزاردن نیازمند گدایی کردن از مردم است، حج مکروه به شمار می‌رود؛ زیرا کمک خواستن از مردم مکروه است و این کار موجب زحمت دیگران می‌شود. برخی فقیهان اهل سنت برای کسی که پس از احرام بستن، توشه یا مرکب خود را از دست بدهد و توانایی پیاده‌روی داشته باشد، حکم به وجوب حج با پیاده رفتن به مکه کرده‌اند.^{۱۱}

۱. تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۵۹؛ العروة الوفيق، ج ۴، ص ۳۶۵؛ کلمة

التقوی، ج ۳، ص ۲۶.

۲. تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۵۹.

۳. مستمسک العروة الوفيق، ج ۱۰، ص ۷۷؛ مصباح الهدی، ج ۱۱،

ص ۳۲۳-۳۲۱؛ کتاب الحج، ج ۱، ص ۱۰۴.

۴. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۷.

۵. حلیة العلماء، ج ۳، ص ۱۹۹؛ انسی المطالب، ج ۱، ص ۴۴.

۶. المغنی، ج ۳، ص ۱۷۰؛ الشرح الكبير، ج ۳، ص ۱۷۳.

۷. بداع الصنائع، ج ۵، ص ۱۷۶.

- ۸. مجتمع القائدة و البرهان، ج ۶، ص ۷۴؛ حاشية الارشاد، ج ۱، ص ۳۱۳.
- ۹. ارشاد الاذهان، ج ۱، ص ۳۱۱؛ الروضة البهیه، ج ۱، ص ۱۶۲؛ مجتمع القائدة و البرهان، ج ۶، ص ۷۵.
- ۱۰. الروضة البهیه، ج ۱، ص ۱۶۲.
- ۱۱. حاشية الارشاد، ج ۱، ص ۳۷۶؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۷۹؛ جواهر الكلام، ج ۷، ص ۲۴۸، ۲۶۴.

ابراهيم بن نجيم (م. ٩٧٠ق.)، به کوشش زکریا عميرات، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ بداع الصنائع فى ترتيب الشرائع: ابوبكر بن مسعود الكاشاني (م. ٥٨٧ق.)، پاکستان، المكتبة الحبيبية، ١٤٠٩ق؛ برسى تطبيقي مجازات اعدام: محمد ابراهيم شمس ناشرى، قم، انتشارات اسلامي، ١٣٧٨ش؛ البيان فى مذهب الامام الشافعى: يحيى العمري، (م. ٥٥٨ق.)، به کوشش النورى، جده، دار المنهاج، ١٤٢١ق؛ البيان والتحصيل: محمد بن احمد القرطبي، (م. ٥٢٠ق.)، به کوشش محمد حجي و دیگران، بيروت، دار الغرب الاسلامي، ١٤٠٨ق؛ الناج والاکليل لمختصر خليل: محمد بن یوسف العبدري (م. ٨٩٧ق.)، بيروت، دار الفکر، ١٣٩٨ق؛ تبیین الحقائق شرح کنز الدقائق: عثمان بن علی الزیعلی (م. ٢٤٣ق.)، القاهره، المطبعة الكبرى الاميرية، ١٣١٣ق؛ تحریر الاحكام الشرعیه على مذهب الامامیه: حسن بن یوسف حلی (م. ٦٤٨ق.)، به کوشش ابراهيم بهادری، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق، ١٤٢٠ق؛ تحفة الفقهاء: محمد بن احمد السمرقندی (م. ٥٣٥-٩ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٤ق؛ تذكرة الفقهاء: حسن بن یوسف حلی (م. ٦٤٨ق.)، قم، مؤسسه آل البيت لایحاء التراث، ١٤١٤ق؛ تعلیق مبسوطه على العروة الوثقی: محمد کاظم بزدی؛ محمد اسحاق الفیاض، قم، محلاتی، بی تا؛ تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة للشيخ المفید: محمد بن حسن الطوسي (م. ٣٨٥-٤٦٠ق.)، به کوشش سید حسن موسوی خرسان و على آخوندی، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ش؛ جواهر الكلام فی شرح شرائع الاسلام: محمد حسين نجفی

حجۃ الاسلام (الجزء) نیز منتظر است.^١ حتی برخی این حکم را اجتماعی دانسته‌اند.^٢ البته به نظر فقیهان امامی، حج تَسْكُنُ، بر شخص غیر مستطیع، مستحب است.^٣ در مقابل، فقیهان شافعی^٤، حنفی^٥ و حنبلی^٦ حج تَسْكُنُ شخص غیر مستطیع را مُجزی از حج واجب (حجۃ الاسلام) دانسته‌اند.

﴿ منابع ﴾

الاختیار لتعلیل المختار: عبدالله بن محمود الموصلى، (م. ٤٨٣ق.)، تعلیقات ابودفیقہ، قاهره، مطبعة الجلبی، ١٣٦٥ق؛ ارشاد الاذهان الى احكام الایمان: حسن بن یوسف حلی (م. ٦٤٨-٧٢٦ق.)، تحقیق فارس الحسون، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٠ق؛ ارشاد الاذهان الى تفسیر القرآن: محمد سبزواری (م. ٤٠٩ق.)، بيروت، دار التعارف، ١٤١٩ق؛ اسني المطالب فی شرح روض الطالب: زکریا بن محمد الانصاری (م. ٩٢٦ق.)، به کوشش محمد تامر، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤٢٢ق؛ البحر الرائق (شرح کنز الدقائق): زین الدین بن

١. مدارک الاحکام، ج ٧، ص ٧٩؛ جواهر الكلام، ج ١٧، ص ٢٤٣.

٢. الخلاف، ج ٢، ص ٢٤٦.

٣. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ١، ص ٣٠٣-٣٠٢؛ تحریر الاحکام،

ج ١، ص ٥٣٩؛ مدارک الاحکام، ج ٧، ص ١٩.

٤. فتح العزیز، ج ٧، ص ٨-٩؛ روضة الطالبین، ج ٢، ص ٢٧٧.

اسني المطالب، ج ١، ص ٤٤٤.

٥. المبسوط، سرخسی، ج ٤، ص ١٥٠؛ بداع الصنائع، ج ٢، ص ١٢٠.

البحر الرائق، ج ٢، ص ٥٤٦.

ع المغنی، ج ٣، ص ١٦٢؛ العده، ج ١، ص ١٧٧.

محمد عيسى الترمذى (م. ٢٧٩ق.)، به كوشش عبدالوهاب عبداللطيف، بيروت، دار الفكر، ١٤٠٢ق؛ **السنن الكبرى**: احمد بن الحسين البهقهى (٣٨٤-٤٥٨ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٦ق؛ **الشرح الكبير**: عبد الرحمن بن قدامه (ع.)، بيروت، دار الكتب العلميه: **شرح مختصر خليل**: محمد بن عبدالله الخراشى، ١٤١٠ق)، بيروت، دار الفكر، **الصحاب** (تاج اللغة و صحاح العربى): اسماعيل بن حماد الجوهري (م. ٣٩٣ق.)، به كوشش احمد عبد الغفور العطار، بيروت، دار العلم للملايين، ١٤٠٧ق؛ **الحدة شرح العمدة**: عبدالرحمن المقدسى (م. ٤٢٤ق.)، القاهرة، دار الحديث، ١٤٢٤ق؛ **الرواة الوثقى**: سيد محمد كاظم طباطبائى يزدي (١٢٣٧-١٢٤٧ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤٢٠ق؛ **العين** (ترتيب العين): خليل بن احمد الفراهيدي (م. ١٧٠ق.)، قم، هجرت، ١٤٠٥ق؛ **فتح العزيز**: عبدالكريم بن محمد رافعى قزويني (م. ٢٣٣ق.)، دار الفكر، فتح القدير الجامع بين فنى الرواية والدرایة من علم التقسيم: محمد بن على الشوكانى (م. ١٢٥ق.)، بيروت، دار المعرفة، بي تا؛ **الفواكه الدولانى**: احمد بن خالد (م. ١٢٦ق.)، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ **الكافى**: محمد بن يعقوب كلينى (م. ٣٢٩ق.)، به كوشش على اكبر غفارى، تهران، دار الكتب الاسلامية، ١٣٧٥ش؛ **كتاب الحج**: سيد محمود حسيني شاهروodi، (م. ١٣٩٤ق.)، قم، انصاريان، ١٤٠٢ق؛ **كشف اللثام**: محمد بن الحسن الفاضل البهندى (م. ١١٣٧ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ١٤١٦ق؛ **كلمة التقوى** (فتاوی): محمد امين زین الدین، قم، مهر، ١٤١٣ق؛ **لسان العرب**: محمد بن مكرم ابن

(م.) ١٢٦٤ق، بيروت، دار احياء التراث العربي
بي تا، حاشية الارشاد: زين الدين بن علي: شهيد
ثاني (٩١١-٩٦٤ق)، به كوشش رضا مختارى
الاسلامى حوزة علميه قم ٤١٤ق: حاشية
الصالوى على الشرح الصغير (بلغه السالك): احمد
بن محمد الصاوى (١٢٤١ق)، قاهره، دار
المعارف، بي تا، الحاوی الكبير فى فقه مذهب
الامام الشافعى: على بن محمد الماوردى
(م. ٤٥٠ق)، به كوشش على محمد معوض و
عادل احمد عبدالمحظوظ، بيروت، دار الكتب
العلمية: خليل العلامة فى معرفة مذاهب
الفقهاء: قفال شاشى (٧٠٥ق)، تحقيق ياسين
احمد ابراهيم درادكة، بيروت، مؤسسة الرساله،
١٤٠٠ق: الخلاف فى الاحكام: محمد بن حسن
الطوسى (٣٨٥-٤٦٠ق)، قم، دفتر انتشارات
اسلامي، ٤٠٧ق: الدرسون الشرعيه فى فقهه
الإماميه: محمد بن مكي (م. ٧٨٦ق)، قم، دفتر
انتشارات إسلامي، ١٤١٢ق: دقائق اولى النهى:
منصور بن يونس البهوتى (م. ٥١٠ق)، بيروت،
عالم الكتب، ١٩٩٦م؛ رد المحatar على الدر
المختار: محمد امين بن عابدين (م. ١٢٥٢ق)،
بيروت، دار الفكر، ١٤١٢ق؛ الروضة البهية فى
شرح الملمعة الدمشقية: زين الدين بن علي، شهيد
ثاني (١١١-٩٦٤ق)، تحقيق سيد محمد كالاتسر،
قم، مكتبة داوري، ١٤١٠ق؛ روضة الطالبين و
عمدة المتقين: يحيى بن شرف النسوى (٣٦١-٦٤٧٦ق)،
به كوشش عادل احمد عبدالمحظوظ و
على محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلمية،
بي تا، سنن ابن ماجه: محمد بن زيد الربعى ابن
ماجاه (٢٧٥م)، به كوشش محمد دفداد
عبدالباقي، بيروت، دار احياء التراث العربي،
١٣٩٥ق؛ سنن الترمذى (الجامع الصحيح):

حج تمتع: از اقسام سه‌گانه حج

واژه تمتع، به معنای برخوردار شدن و بهره بردن^۱ و اصلاح فقهی حج تمتع، به معنای حجی است که در آن حج گزار ابتدا برای مناسک عمره تمتع^{*} محرم می‌شود و پس از خروج از احرام، دوباره برای حج احرام می‌بندد.^۲ از آن رو به این نوع از حج، تمتع گفته می‌شود که ادا کننده آن در فاصله زمانی میان حج و عمره می‌تواند کارهایی را که در حال احرام حرام شمرده می‌شد، انجام دهد.^۳ از آن‌جا که ارتباط میان این عمره و حج تمتع به گونه‌ای است که به منزله یک عمل محسوب می‌شوند، گویا این تمتع و بهره‌مندی در حج روی داده است.^۴ برخی فقهاء انجام یافتن حج و عمره در یک سفر و بی‌نیازی از سفرهای متعدد را وجه نامگذاری این نوع حج به تمتع دانسته‌اند.^۵ با تحلیل اخیر حج قرآن^{*}، از دیدگاه اهل سنت، به معنای حجی که در آن

منظور (٦٣٠-٧١١ق)، قم، انتشارات ادب الحوزه، ١٤٠٥ق؛ **المبسوط فی فقهه الامامیه**: محمد بن حسن الطوسي (٣٨٥-٤٦٠ق)، به کوشش محمدباقر بهبودی و سید محمد تقی کشفی، تهران، مكتبة المرضویه، ١٣٥١ش؛ **المبسوط**: محمد بن احمد السرخسی (٤٨٣م، ٩٤٠ق)، بیروت، دار المعرفة، ١٤٠٦ق؛ مجمع الفائدة والبرهان فی شرح ارشاد الاذهان: مقدس اردبیلی احمد بن محمد (م.٩٩٣ق)، به کوشش مجتبی عراقی و حسین یزدی و علی پناه اشتئهاردی (١٢٩٦-١٣٨٧ش)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٤٠٣ق؛ مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام: سید محمد بن علی موسوی عاملی (٩٥٦-١٠٠٩ق)، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤١٠ق؛ مسالك الاذهام الى آیات الاحکام: فاضل الجواب الكاظمي (م.١٦٥٠ق)، به کوشش شریف‌زاده، تهران، مرتضوی، ١٣٦٥ش؛ مستند الشیعة فی احکام الشریعه: احمد بن محمد مهدی التراقی (١١٨٥-١٢٤٥ق)، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، ١٤١٥ق؛ مصباح المهدی فی شرح العروة الونقی: محمد تقی آملی (م.١٣٩١م)، تهران، انتشارات فردوسی، ١٣٨٠ق؛ مغنى المحتاج الى معرفة معانی الفاظ المنهاج: محمد بن احمد الشربینی (م.٩٧٧ق)، بیروت، دار احیاء التراث العربي، ١٣٧٧ق؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م.٢٠٢٠ق)، بیروت، دار الكتب العلمیه؛ **مواهب الجليل**: محمد بن محمد الخطاب الرعنی (م.٩٥٤ق)، به کوشش ذکریا عمیرات، بیروت، دار الكتب العلمیه، ١٤١٦ق.

الیاس صالحی



١. الصحاح، ج. ٣، ص. ١٢٨٢؛ النهاية، ج. ٤، ص. ٣٩٢، «متبع».
٢. بداية المجتهد، ج. ١، ص. ٢٦٧؛ كشف الرموس، ج. ١، ص. ٣٣٦؛ مغني المحتاج، ج. ١، ص. ٥١٤.
٣. مستند الشیعة، ج. ١١، ص. ٥٠٨؛ الشرح الكبير، ابوالبرکات، ج. ٢، ص. ٣٩؛ بداية المجتهد، ج. ١، ص. ٢٦٧.
٤. الروضۃ البهیه، ج. ٢، ص. ٣٠٤؛ ریاض المسائل، ج. ٤، ص. ١٠١؛ شرح نبراس المهدی، ص. ٢٦٣.
٥. الشرح الكبير، ابوالبرکات، ج. ٢، ص. ٢٩؛ بداية المجتهد، ج. ١، ص. ٢٦٧.